

باز شناسی جایگاه بسیج در کشور با رویکرد سیستمی

دکتر مهدی جوانمرد*

فصلنامه مطالعات بسیج، سال دهم، شماره ۳۵ تابستان ۱۳۸۶

چکیده

در هر مرحله‌ای از تحول و تکامل سازمانی، به شکل خاصی از رهبری و مدیریت نیاز است. بقای سازمانها در دوره‌های تاریخی متفاوت، به طور طبیعی حکایت از آن دارد که رهبران سازمانها باید ضمن شناخت صحیح شرایط حاکم، به اعمال مدیریت مناسب با آن شرایط اقدام کنند. تحقق سند چشم انداز بیست ساله جمهوری اسلامی که از جانب رهبر معظم انقلاب اسلامی به قوای سه گانه ابلاغ و در آن آبادانی، استقلال و پیشرفت در تمامی امور برای ایران اسلامی ترسیم شده است، نیازمند مدیریتی قوی و کارآمد می‌باشد. در این مقاله سعی شده تا با نگرش سیستمی، جایگاه بسیج و بسیجیان در استراتژی اداره نظام مقدس جمهوری اسلامی بررسی شده و نشان داده شود که توسعه این نهاد مردمی می‌تواند رهیافتها و راهکارهای اثربخشی را در ایجاد امنیت برتر، فراروی بشریت قرار دهد.

واژگان کلیدی

بسیج، نگرش سیستمی، نگرش فرایند گرایی، امنیت ملی، تهدید، تغییرات اجتماعی

*. عضو هیئت علمی دانشگاه علوم انتظامی نیروی انتظامی جمهوری اسلامی ایران.

یکی از پشتوانه‌های مهم جمهوری اسلامی ایران در نبرد نامتقارن^۱ با دنیای استکباری غرب، بهره‌گیری از نقاط قوت نظام اسلامی است. مهم‌ترین نقطه قوت این نظام مقدس، پشتوانه مردمی و وجود نهاد مقدس نیروی مقاومت بسیج است. این نهاد می‌تواند اصلی‌ترین نقش را در شرایط «نبرد نامتقارن» با توجه به برتری دشمن در عرصه نظامی‌گری و بهره‌مندی از مزیت‌هایی در ابعاد تجهیزات، فن‌آوری، تاکتیک و تکنیک، ایفا کند (سراج بسیجی، ۱۳۸۳، ص ۱۵). آنچه این امید و امکان را پدید می‌آورد برخورداری از وجود ویژگی‌ها و قابلیت‌هایی است که به مثابه مزیت‌های انحصاری، بسیج را در این صحنه یک نیروی ممتاز معرفی می‌کند.

اصلی‌ترین عنصر بسیج، نیروی مردمی است. نیروهای مردمی - افراد غیر نظامی - در حالت عادی و زمان صلح، دلیلی بر مشارکت در بسیج نمی‌بینند؛ در صورتی که مشارکت نیروهای مردمی در بسیج در موقع بروز حوادث و وقایع غیرقابل پیش‌بینی ضروری است. برای کاهش خطرات ناشی از حوادث غیرقابل پیش‌بینی و مشارکت به موقع مردم، بایست سازماندهی لازم صورت بگیرد و در بعضی از مواقع افراد را در مأموریت‌های جداگانه (دفاع سرزمینی، مقاومت محلی و دفاع غیرنظامی بسیج در زمینه تدارکات، جمع‌آوری اطلاعات، حفظ امنیت داخلی و مقابله با نیروهای فشار داخلی، حفاظت شهری و منطقه و ...) که از وظایف اساسی بسیج است مشارکت بدهند (در مسیر تحقق ارتش بیست میلیونی، ۱۳۷۱، ص ۱۶). علاوه بر این، از آنجا که در نهاد بسیج، عناصر با انگیزه‌ای از اقشار و صنوف گوناگون با تخصص‌های مختلف و در عین حال وفادار به نظام جمهوری اسلامی حضور دارد، این نهاد مدنی خود انگیزه به خوبی می‌تواند در عرصه‌های گوناگون امنیت، ایفای نقش کند و عناصر تشکیل دهنده امنیت ملی را پوشش دهد.

1. Asymmetric warfare.

نیروی مقاومت بسیج با نیروی انتظامی و ارتش به لحاظ اهداف، کارکرد، ساختار و کم و کیف نیروی انسانی تفاوت‌های عمده‌ای دارد. نیروهای انسانی در سازمان نیروی مقاومت دارای موقعیتهای سنی، شغلی، زبانی، فرهنگی، دینی، جغرافیایی متفاوتی در مقایسه با ارتش و نیروی انتظامی می‌باشند. ترکیب واحد و یکسانی به لحاظ سنی، جنسی و زبانی در همه مناطق دیده نمی‌شود. گوناگونی در ترکیب نیرو، ساخت خاصی به نیروی مقاومت بسیج داده است. از طرف دیگر، بسیج صرفاً به فعالیتهای نظامی اشتغال ندارد، بلکه در جامعه به عنوان بازوی انقلاب عمل می‌کند. این ویژگی‌های ممتاز علت همه خصومت‌هایی است که امروز متوجه بسیج است و آنها را مغضوب بیگانگان و عناصر وابسته و ضدانقلاب قرار داده است.

اهم مشکلاتی که در مسیر به کارگیری بسیجیان در نقشهای حساس^۱ وجود دارد، در نهایت به عدم تبیین ماهیت و فلسفه وجودی بسیج برمی‌گردد. بدیهی است در صورت دستیابی به تعریفی دقیق از بسیج در مجموعه نظام و کسب شناخت عمیقی از جایگاه و منزلت آن در جامعه، بهتر می‌توان از این مظهر نمایان قدرت ملی در جهت پیشبرد امور نظام بهره گرفت. تردید احتمالی، معمولاً ناشی از این تصور نادرست است که باز شدن چنین پنجره‌ای می‌تواند در نهایت به ظهور برخوردهای رادیکالی و خشن و حاکمیت نوعی نظامی‌گری جدید منجر شود. جوانه‌زدن چنین تفکری را می‌توان نتیجه طبیعی عدم تبیین درست جایگاه اجتماعی این قشر دانست. تأخیر در تعیین جایگاه، بسیجیان را به ایفای نقشهای حاشیه‌ای و گاه نامناسب سوق می‌دهد، چرا که این قشر به عنوان بخشی از یک جامعه و نه یک نهاد مترقی مدنی تلقی می‌شود. تا زمانی که دو عامل دشمن خارجی و اغتشاشات داخلی در جامعه وجود داشته باشد، که در نهایت به بی‌نظمی و اختلال می‌انجامد، سازماندهی نیروهای مردمی امری ضروری است. در جامعه ایران با توجه به گذشت نزدیک سه دهه از انقلاب اسلامی، بسیج که برای رفع نیاز فوق تشکیل شده است.

1. Key Positions.

مطالعه بسیج با آنچه که در بالا بدان اشاره شد، از دریچه‌ها و مناظر گوناگون امکان‌پذیر است. از طرفی، مطالعات تاریخی ضرورت دارد و از طرف دیگر، مطالعات اجتماعی دارای اهمیت است. در این مقاله، مقوله اجتماعی^۱ بسیج و بسیجی با استفاده از دو نگرش فرایندی^۲ و سیستمی^۳ بررسی شده، تلاش می‌شود که جایگاه بسیج را در کشور بازشناسی کند.

۱. نگرش فرایندی

وقفه‌ای که در سالهای پس از دفاع مقدس در تعریف مطلوب جایگاه و منزلت اجتماعی بسیجیان و قابلیت‌های عملی آنان در عرصه‌های سیاست، فرهنگ و اقتصاد بروز کرده، تا حدی ناشی از این واقعیت است که جنبه غالب در برخورد با این پدیده بزرگ جهان معاصر، بیشتر رویکرد «عاطفی»^۴ و «عرفانی»^۵ بوده و در زمینه مطالعات اجتماعی و تحقیقات استراتژیک کار چندانی صورت نپذیرفته است. با انتخاب یک تحلیل منطقی می‌توان نقش بسیج را به عنوان یک نیروی مردمی، متکی به ایمان، فراگیر و گسترش یافته در تمامی عرصه‌ها و فضای سیاسی، اجتماعی، فرهنگی، نظامی، فنی و جغرافیایی کشور، بهتر درک کرد.

نگرش عاطفی مشتمل بر جنبه‌های ادبی و شاعرانه، تغزل و ابراز احساسات عاطفی در قالب نظم و نثر و بیان خاطره و امثال اینها بوده است که البته در حد خود برای زنده نگه داشتن عواطف مردم نسبت به قهرمانی‌ها و ایثارگری‌های بسیجیان مؤثر بوده است. اما طبیعی است که چنین جنبه‌ای ضمن برخورداری از تأثیرات مثبت مذکور، نمی‌تواند خط مشی روشنی در خصوص چگونگی مشارکت اجتماعی بسیجیان در اداره نظام ارائه کند. در این مبحث بایست بیشتر به جنبه‌های ملموس و پیکره خارجی و اجتماعی این پدیده پرداخت.

1. Social Category.
2. Processional.
3. Systematic.
4. Emotional.
5. Gnosticism.

در رویکرد عرفانی نیز بسیجی به عنوان یک «انسان کامل» که تجلی عالی ترین صفات است معرفی می‌شود. در این دیدگاه، مفهوم بسیجی تداعی گر خوبی‌ها و جلوه‌های ایثار و فداکاری است و بسیجی انسان وارسته‌ای است که به هیچ چیز در این دنیا جز خدا وابسته نیست. هر چند نگرش عرفانی که ظهور متعالی و تکامل یافته رویکرد عاطفی است، یکی از کارآمدترین نگرشها برای تعریف بسیجی است، ولی نباید دو نکته زیر را نیز از نظر دور داشت:

اولاً؛ در عرصه تحقیق و مطالعه، تنها محقق می‌تواند از این رویکرد بهره‌مند شود که اهل عرفان و برخوردار از روحیه و ذوق و زمینه‌های عرفانی باشد.

ثانیاً؛ نتایج حاصل از نگرش عرفانی صرفاً جنبه خصوصی داشته و غیر قابل تعمیم به دیگران است. بنابراین، برای به کارگیری بسیجیان نمی‌توان توسط این رویکرد با دیگران و از جمله مدیرانی که وظیفه مدیریت و بهره‌گیری از این منبع عظیم نیروی انسانی را در عرصه‌های اجتماعی به عهده دارند، به سادگی به تفاهم رسید.

در نگرش اجتماعی و مدیریتی، بیشتر از این جنبه سؤال می‌شود که مجموع این انسانهای کامل به چه کار می‌آیند و چه مشکلی را از سازمان اجتماعی حل می‌کنند؟ به نظر می‌رسد که دلیل گرایش برخی مدیران نظام به برخورد موقتی و ابزاری با این نهاد بزرگ و عدم بهره‌گیری از قابلیت‌های آن، نتیجه طبیعی عدم تبیین ابعاد اجتماعی بسیج بوده باشد.

تردید برای ایجاد تحول در رویکرد استراتژیک مدیریتی به این موضوع، عموماً ناشی از این باور است که گروه‌های از جنگ برگشته به رشد پدیده‌هایی چون خشونت و انسداد سیاسی کمک می‌کنند. اما بسیج و بسیجی صرفاً به افراد مشخصی که در طول دفاع مقدس توسط سپاه پاسداران به جبهه‌های جنگ اعزام شده‌اند، اطلاق نمی‌گردد. امام خمینی (ره) بسیج و بسیجی را یک اصل کلی و عمومی تاریخی دانسته و می‌فرماید: «بسیج لشکر مخلص خداست که دفتر تشکیل آن را همه مجاهدین از اولین تا آخرین امضا نموده‌اند» (صحیفه نور، ۱۳۶۷، ج ۲۰-۲۱). بنابراین، دامنه بسیج بسیار گسترده و شامل همه

مدافعان اسلام است. در واقع؛ بسیج همان نیروی مومن و مسلمانی است که برای دفاع از ارزشهای الهی ایثار می‌کند. صرف نظر از اینکه حضور بسیج با ظرفیت بیست میلیونی خود در مدیریت نظام، قطعاً یکی از زمینه‌های نهادینه^۱ کردن مشارکت سیاسی شهروندان است، ولی توجه به موارد زیر می‌تواند به رفع تردیدهای موجود کمک کند:

- تفاهم جمعی لازمه توسعه است و نقش بسیج در ایجاد این تفاهم جمعی یک نقش محوری است. علل سقوط بسیاری از نظامها عبارتند از: جهل اعتقادی، لذت‌گرایی و اعراض نخبگان^۲ از طبقه حاکم در شرایط بحران. هر چند در ایران اسلامی با برخورداری از ذخایری مثل رهبری شجاع و مدبر، دینی بودن فرهنگ مردم، روحیه بیگانه ستیزی در جامعه و تکیه بر دفاع مردمی که امکان به کارگیری استراتژی در جامعه و تکیه بر دفاع همه جانبه را برابر هرگونه تجاوز دشمن فراهم می‌سازد، این خطرات بالفعل نیستند اما هیچ نظامی نباید خود را مصون از این آفات بداند. نقش بسیجیان در عمق دادن به این مصونیت کاملاً غیرقابل تردید است. نخبگان و خرده گروههای نخبه^۳ در اغلب جوامع یک طیف باز هستند و از اقشار مختلف اجتماع عضو گیری می‌کنند.

- در نگرش مقام معظم رهبری نقش دین و جرئت و روحیه ظلم ستیزی در پیشرفت اجتماعی و برطرف کردن ضرورتها، به مراتب برتر از نقش امکانات است: «آنها دین ما، مردم ما، اسلام و انقلاب را نمی‌شناسند. نمی‌دانند چرا عاشورا این قدر اثر کرد. نمی‌دانند چرا ذکر، دعای کمیل و زیارت عاشورا این همه اثر دارد و چون نمی‌دانند، حالا حالاها استکبار باید بخورد و راه به جایی نخواهد برد.»^۴

میزان کارآمدی مدیران را نمی‌توان صرفاً با میزان «تخصص» آنها برابر دانست. کارآمدی برآیند مجموعه‌ای از توانایی‌های علمی، فنی، فکری، روحی و ... است. نقش هوش و ذکاوت فردی و داشتن عقبه فرهنگی و برخورداری از انگیزه‌های متعالی جمعی

1. Institutionalized.

۲. Elite؛ به آن گروههای شغلی گفته می‌شود که به هر دلیل در جامعه از شأن والایی برخوردار هستند.

۳. Sub-Elite؛ این گروه هر چند در صدر جامعه قرار ندارند ولی با مردم ارتباط تنگاتنگی دارند.

۴. ر.ک. به: سایت مقام معظم رهبری www.khamenei.ir

نیز در افزایش کارایی و اثر بخشی مدیریتها بسیار مهم است. مقام معظم رهبری در این باره می‌فرمایند:

«اگر ملتی دارای وجدان کار باشد، محصول کار او خوب خواهد شد و وقتی محصول کار نیکو باشد، وضع اجتماعی به طور قطع بهبود پیدا خواهد کرد. راه حل مشکلات همین دو چیز است: وجدان کار و انضباط اجتماعی.»^۱

در یک بازنگری کلی و مجدد، برجسته‌ترین نکاتی را که دو رویکرد عاطفی و عرفانی بر آنها استوار است می‌توان در چارچوب نگرش فرایندی (Thomaset.al, 2002) بررسی کرد.

مبانی نگرش فرایندی، در مکتب آمریکایی کارنگی^۲ و توسط سایرت^۳، مارچ^۴ و سایمون^۵ مطرح شد. آنها مدلی برای تدوین استراتژی عرضه کردند که هنوز بعد از گذشت چند دهه، تازگی خود را حفظ کرده است. به عقیده سایرت و مارچ، انسان اقتصادی و عقلایی، تحلیلی بیش نیست و انسانها در عمل فقط تا حدی عقلایی هستند. آنها همچنین عقیده دارند که ما قادر نیستیم در آن واحد، بیش از چند عامل را مد نظر قرار دهیم. ما تمایلی به تحقیق نامحدود برای به دست آوردن اطلاعات مورد نظر نداریم. در تفسیر داده‌ها متعصب هستیم. بیشتر مستعد پذیرش اولین راه حل رضایت بخشی که یافت می‌شود، هستیم تا اینکه بر پیدا کردن بهترین راه اصرار بورزیم. در این رویکرد، ترتیب سنت گرایانه استراتژی که عبارت است از: اول تدوین و بعد اجرا؛ معکوس می‌شود.

نگرش فرایند گرایی به شدت از اهمیت تحلیل منطقی نقش بسیج می‌کاهد، جستجو برای انعطاف پذیری استراتژیک را محدود می‌کند و حوزه مأموریتی و گستره حضور بسیج در صحنه‌های انقلاب را کاهش می‌دهد.

۱. ر.ک. به: سایت مقام معظم رهبری www.khamenei.ir

2. American Carnegie School.
3. Richard Cyert.
4. James March.
5. Herbert Simon.

۲. نگرش سیستمی

نگرش سیستمی نوعی کل‌نگری جامع و کلان‌نگری بر اساس شناخت کلیت پدیده‌ها به صورت ارگانیکی^۱ و نه به صورت مکانیکی^۲ می‌باشد (Balle, 1994). تفکر سیستمی به دنبال شناخت اجزای موجود در عالم خلقت و تعامل با آنها است و می‌تواند وحدت معرفت را به ارمغان آورد. نظریه پردازان سیستمی (اصلائی، ۱۳۸۱، ص ۵۲) تأکید می‌کنند که هم اهداف و هم استراتژی، از خصیصه‌های سیستم‌های اجتماعی‌اند. به همین جهت و با توجه به اینکه این رویکرد بازشناسی جایگاه بسیج را در ابعاد مختلف فراهم می‌کند می‌توان به بسیج و بسیجی به عنوان یک مقوله اجتماعی نگریست که عمیقاً در جایگاه‌های اجتماعی در هم تنیده میهن اسلامی ما، ریشه دارند. بر این اساس، موضوعی که بیش از هر چیزی در خصوص بسیج نیاز به تبیین و نظریه پردازی دارد این است که اصولاً فلسفه وجودی بسیج چیست؟ برای دستیابی به تعریف مشخص، ضرورت مطالعه ادبیات بسیج مطرح است. امام خمینی (ره) اساس، وجودی بسیج مستضعفین را در پشتیبانی از انقلاب اسلامی می‌دانند. ایشان بسیج را زاینده وجود انقلاب اسلامی و عاملی در حفظ و بقای آن تلقی کرده‌اند:

«بسیج مستضعفان که به حق پشتوانه انقلاب اسلامی است و به کوشش ارزنده خود ادامه داده و به حمدالله تعالی با همت جوانان برومند و داوطلبان گروه میلیونی، رزمنده تربیت کرده] و امید آن است که با شرکت فعال قشرهای معظم ملت و شور و شعفی که در جوانان عزیز از برکت اسلام مشاهده می‌شود، ارتش بیست میلیونی^۳ که نگهبان جمهوری اسلامی و کشور عزیز از شر جهانخوران متجاوز است تحقق یابد.» (عوامل مؤثر در بسیج مردمی، بی‌تا، ص ۹)

در عرصه‌های اجتماعی نیز مشخصه‌های بسیج و بسیجی از دیدگاه رهبر معظم انقلاب اسلامی و فرماندهی کل قوا به صورت زیر رخ می‌نمایند: «بسیج متن ملتی است که در مراکز نظامی و اجتماعی و دینی و آموزشی حضور دارد.»^۴ در ضمن باید یادآور شد که

1. Organicistic.

2. Mechanistic.

۳. ارتش بیست میلیونی یک عنوان فرضی است و به تمام کسانی که قدرت دفاعی دارند، اطلاق می‌گردد.

۴. ر.ک. به: سایت مقام معظم رهبری www.khamenei.ir

بسیج، حرفه و شغلی که مستقیماً به بدنه سیاسی - اداری نظام وابسته باشد نیست، بلکه مجموعه وظایف و مسئولیتهای فردی و جمعی است که تابعی از اهداف و ارزشهای نظام است.

حال با همین تعریف یا هر تعریف مشابه دیگر، نقش و پایگاه اجتماعی بسیج را با سایر گروهها و اقشار جامعه مقایسه می‌کنیم تا دریابیم که چرا نقش و پایگاه بسیج از سایر پایگاه‌ها پر اهمیت تر است.

۱-۲. بسیج و گروههای اجتماعی^۱

از همسازی کنشهای متقابل^۲ پیوسته و گسسته، گروههای اجتماعی ایجاد می‌شود (آگ برن و نیم کوف، ۱۳۵۴). یک گروه اجتماعی دست کم دارای یک ساخت و سازمان اصلی شامل قواعد^۳ و مناسک^۴ و یک مبنای روانی در شعور اعضای خود می‌باشد. با این تعریف، طبیعی است که جایگاه بسیج را باید در گروههای ارادی^۵ بزرگ اجتماعی جستجو کرد. به لحاظ اینکه بسیج مقوله‌ای بین رشته‌ای است، جامعه شناسی بسیج می‌تواند در نهایت به «بسیج شناسی اجتماعی» که فراتر از جامعه شناسی است، بینجامد؛ زیرا به لحاظ مشارکت اقشار متعدد در موقعیتهای متفاوت زمانی، جغرافیایی، محیطی، فرهنگی و اجتماعی در نظر گرفته خواهد شد.

۲-۲. بسیج و قشر بندی اجتماعی

پایگاههای اجتماعی اعضای جامعه سبب می‌شود که عضوهای جامعه در قشرهایی^۶ گرد آیند و به اصطلاح قشر بندی اجتماعی^۷ صورت گیرد (همان). عناصر متعلق به یک قشر اجتماعی خاص دارای برخی وجوه مشترک به شرح زیر می‌باشند:

نصیب‌های زندگی، سبکهای زندگی، احساس اشتراکات گروهی، و شأن یکسان^۸.

1. Social Groups.
2. Interactions.
3. Rules.
4. Rituals.
5. Voluntary Social Group.
6. Stratum.
- 7 Social Stratification.

بنابراین، بسیج را می‌توان به عنوان یک قشر اجتماعی در نظر گرفت و بسیجیان را در این رابطه مورد ارزیابی قرار داد و احتمالاً بخشی از ابهامهای موجود را در خصوص جایگاه اجتماعی و قابلیت‌های بسیجیان و نیز نقش آتی آنها در اداره نظام روشن کرد.

۳-۲. بسیج و سازمان بندی اجتماعی

شبکه‌ای از فرایندهای پیچیده اجتماعی که به هدف یا هدفهای معینی ناظر است و کل یگانه‌ای به شمار می‌آید، نهاد اجتماعی^۱ نام دارد (باتومور، ۱۳۵۷). نهاد به مفهوم الگوی پایدار رفتار است و چندین نقش را در خود جای می‌دهد. نهادهای اجتماعی شیوه‌های منظم یا زمینه‌های مشخصی برای فعالیت به اعضای جامعه عرضه می‌کنند و موجب نهادی سازی کارکردهای انسانی می‌شوند. نهادی سازی جریانی است که انسان را از آغاز زندگی در بر می‌گیرد و نیروهای او را در مسیرهای مجاز و مختار جامعه می‌ریزد و هنجارهای^۲ اجتماعی را متحقق می‌کند.

نهضتها پس از به دست گرفتن قدرت، به تدریج به نهادهای اجتماعی تبدیل می‌شوند. تغییرات در اعمال و تجارب اجتماعی، نهادهای اجتماعی موجود را دگرگون می‌کند و صورتهای جدیدی از آنها را به وجود می‌آورد (همان). به این ترتیب جریان نهادی سازی که برخی از هنجارهای اجتماعی را به شخص تحمیل و او را جامعه پذیر می‌کند، در تحقق تسلط اجتماعی^۳ سخت موثر است. وقوع این تحولات کاملاً اجتناب‌ناپذیر است. نکته حایز اهمیت برای نظام ما، نحوه طی شدن این فرایند است؛ به گونه‌ای که روحیه و التزام عملی به آرمانهای انقلاب محفوظ مانده و از طرفی نهادهای شکل یافته با ارزشهای جدید همگونی داشته و بتواند ضامن حفظ و استمرار و تبلور این ارزشها باشد (همایش چالشها، ۱۳۸۱). بسیج با داشتن روحیه ایثار و شهادت طلبی، زمینه ساز تربیت عناصر مؤمن، عاشق و فداکار بوده، در تقویت باورهای دینی و گسترش ارزشهای اسلامی در جامعه و نسل جوان می‌تواند به ایفای نقش مؤثری پردازد و سبب ایجاد یک رفتار سیاسی نهادینه گردد.

1. Social Institution.

2. Norms.

3. Social Control.

۴-۲. بسیج و تغییرات اجتماعی^۱

اگر تغییر اجتماعی را به مثابه تغییری که در ساخت اجتماعی یا در نهادهای خاص اجتماعی یا در روابط بین نهادها حادث می‌شود تعریف کنیم، تغییرات یک میلیون ساله جوامع انسانی در قبال تغییرات عظیم جهانی که مورد نظر نظام مقدس ماست، ناچیز است. از این رو، افراد جامعه ما برای نیل به خواسته‌های بزرگ خود باید در راه تغییر اجتماع، تن به کوششهایی ایثارگرانه دهند. اگر در دنیای ایستا و آرام گذشته، فقط افراد استثنایی معدودی باخواست و آگاهی در تغییر نظام اجتماعی می‌کوشیدند و تاریخ آفرین می‌شدند، دنیای پویا و سریع کنونی ایجاب می‌کند که همه مردم با عزم و وقوف پا در میدان تاریخ آفرینی گذارند و با تلاشی انقلابی و آگاهانه، جامعه را در تحولات خود شتاب دهند (O'Shannassy, 1999). اگر همه مردم زمام تکامل اجتماعی را به دست نگیرند، نه تنها جامعه با سرعت دلخواه انسان تکامل نخواهد یافت، بلکه ایستادگی لجوجانه دنیا طلبان و سودجویان در برابر این تحولات، تضادهای گوناگونی به وجود خواهد آورد و جامعه را به کام مصیبت‌های بزرگی چون بحران اقتصادی، تنگدستی، استحاله، تضعیف و در نهایت اضمحلال خواهد افکند.

با نگرش فوق، بسیج به معنای حضور سازمان یافته و مقتدرانه مردم، به عنوان بخش مؤثری از نیروهای اجتماعی می‌تواند در جامعه مؤثر افتد و با کوشش آگاهانه خود بر سرعت تحولات آن بیفزاید. تجربه کشورهای چونی ژاپن و آلمان نشان می‌دهد توسعه و رشد اقتصادی در بستر باورهای مردمی و حضور فعال آنها در عرصه‌های مختلف شکل گرفته است.

۴-۵. بسیج و بازسازی جامعه

تنظیم رفتار در جامعه، اعم از رفتار افراد یا گروهها، در مجموع به دو شیوه انجام می‌گیرد: یا از طریق اعمال زور و یا از طریق نهادی‌سازی ارزشهایی^۲ که ممکن است کم و بیش اعضای یک جامعه به عنوان «آداب معاشرت» الزام‌آور پذیرفته باشند (Hatch, 1993).

1 Social Change.

2. Values.

در فرهنگ اسلامی، «امر به معروف و نهی از منکر»^۱ غالباً به شیوه دوم تنظیم رفتار، اشاره دارد و با تأکید بر ارزشها و هنجارها، تنشها و تعارضهای موجود بین افراد و بین گروهها را تخفیف داده و یا از بین می‌برد تا همبستگی گسترده‌تری را تأمین کند. این آموزه دینی همچنین به منظور اشاره به ترتیباتی به کار می‌رود که به واسطه آنها، ارزشها و هنجارها انتقال می‌یابند و ثبات می‌گیرند. هر گروه اجتماعی را می‌توان از لحاظ نظارت اجتماعی که بر اعضای خود اعمال می‌کند و کمکی که به تنظیم رفتار در سطح جامعه می‌دهد، ملاحظه کرد. نظارت اجتماعی با این معنا را باید در مقابل تنظیم رفتار از طریق اعمال زور قرار داد. تجربه عینی این تأثیرگذاری چندگانه را می‌توان در سابقه روشن حضور بسیج در بازسازی، مقابله با تهاجم فرهنگی^۲، خنثی سازی خط نفوذ و براندازی در عرصه سیاسی و بالأخره توفیقات بزرگ علمی و ایفای نقش در راه دستیابی کشور به فن‌آوری‌های پیچیده و نوین، مشاهده کرد.

در جوامع پیچیده، گروههای مختلف اجتماعی ممکن است با یکدیگر در ستیز باشند و هر کدام بر آن باشند که ارزشها و هنجارهای خود را بر تمام جامعه گسترش دهند (Ibid). لذا دو وجه تنظیم رفتار در زندگی واقعی اجتماعی به طور کامل از یکدیگر تفکیک پذیر نیستند؛ زیرا آخرین ضمانت اجرایی قانون، اجبار جسمی^۳ است و نیروی فیزیکی^۴ هم ممکن است با درجه اهمیتی کمتر یا بیشتر، در همه انواع نظارت اجتماعی وارد شود.^۵

در اینجا به طور خلاصه به نقش بسیج در آن عده از ستیزه‌های بین گروه‌های اجتماعی اشاره خواهد شد که اعمال زور را ایجاب می‌کنند:

۱. مراقبت اجتماعی؛ Social Control.

۲. به منظور انجام مأموریت امر به معروف و نهی از منکر بسیجیان به سه سطح دسته بندی شده اند که عبارتند از: سطح ۱ (ضابطین ویژه)؛ سطح ۲ (ضابطین فعال)؛ سطح ۳ (ضابطین عادی یا ناصحین) که هر دسته دارای حدود و ثغور و اختیارات معینی هستند.

3. Physical Coercion.

4. Physical Force.

۵. دولت یکی از عوامل مهم نظارت اجتماعی است که وظایف آن توسط قانون انجام می‌پذیرد و این قانون در تحلیل نهایی، بر زور و فشار جسمانی تکیه دارد.

- تعارض خشونت آمیز در درون یک جامعه؛^۱

- ستیزه خشونت آمیز بین دو جامعه مجزا.^۲

۲-۶. بسیج و امنیت ملی

امنیت در لغت به معنای بی خوفی، امن، در امان بودن، اطمینان، آرامش و اعتماد است و در اصطلاح به وضعیتی گفته می‌شود که طی آن یک ملت قادر است اهداف، منافع و ارزشهای حیاتی مورد نظر خود را در سطح ملی و فراملی گسترش دهد یا حداقل در برابر تهدیدات بالقوه و بالفعل داخلی و خارجی از آنها حفاظت کند (ذوالقدر، ۱۳۷۹، ص ۱۰). نکته حایز اهمیت در این راستا، این است که در تحصیل امنیت، مجموعه‌ای از افراد، گروهها و سازمانهای فراملی، ملی و دولتها نقش آفرینی دارند. ویژگی دو وجهی مفهوم امنیت - فقدان تهدید در بعد عینی و عدم اضطراب از تشویش و خطر در بُعد ذهنی، که به تعبیری شرایط فیزیکی با اوضاع روانی و ذهنی را درهم می‌آمیزد - فراهم کردن کلیه عوامل مادی^۳ و معنوی^۴ است که برای هیچ فرد یا جامعه‌ای به صورت مطلق امکان‌پذیر نخواهد بود. اغلب کارشناسان به دلیل ریشه دار بودن امنیت در قضاوتها و انتخابهای تصمیم گیران و سیاستسازان دفاعی و امنیتی از یک سو و از سوی دیگر، به علت بافت خاص عرصه سیاسی - اجتماعی در صحنه داخلی و روابط بین الملل که هر گونه تصمیم و اقدام را با محدودیتها و فرصتهای خاص قرین و عجین ساخته، امنیت را امری نسبی و گاه ذهنی و دست نیافتنی دانسته‌اند. اما در تعالیم و حیانی و آسمانی، امنیت واقعی اعم از ظاهری و یا باطنی، امری دست یافتنی است و به شکلهای مختلف به آن پرداخته شده است. قرآن کریم کشور یونس را که در سایه ایمان بنا شد، با صفت «شهر امنیت و اطمینان» که رزق فراوان از هر سو برایش می‌رسید معرفی کرده که در اثر کفران نعمت به شهر گرسنگان و وحشت زدگان تبدیل گشت (سوره نحل، آیات ۱۱۲ و ۱۱۳). در جای دیگر،

۱. ناامنی، آشوب.

۲. جنگ خارجی.

۳. نظیر: فن آوری، ثروت و جمعیت.

۴. نظیر: روحیه، مکتب و رهبری جامع.

«شهر امن» به عنوان یکی از آرزوها و دعا‌های حضرت ابراهیم آورده شده (سوره ابراهیم، آیه ۵۳)؛ همچنین سرزمین وحی را سرزمین امن و حرم الهی معرفی کرده است (تین، آیه ۳). بسیج به دلیل کارکرد همه جانبه و گستره وسیع خود به منظور تقویت عوامل امنیت‌زا و مقابله با عوامل تهدید، برترین نهاد وصول به بالاترین حد امنیت به شمار می‌آید و می‌تواند پدیده امنیت را که امروزه معنای گسترده‌تر و ابعاد جدیدتری از گذشته در زندگی بشر یافته است برای امت اسلامی به ارمغان بیاورد. این امنیت برتر و حقیقی که بسیج در پی آن است، امنیتی است که فرشتگان از آسمان برای مجاهدان به ارمغان آورده‌اند. این امنیت ویژه و متعالی همان چیزی است که در زبان وحی به «سکینه»^۱ تعبیر شده است. اساس این امنیت بر ایمان فردی، باورهای قلبی و ارزشهای اعتقادی استوار است و اقسام امنیت اعم از فردی یا اجتماعی، ملی یا فراملی بدون آن امکان‌پذیر نیست. مقام معظم رهبری درباره نقش بسیج در مسئله امنیت می‌فرماید:

«وجود نیروهایی که بتوانند برای این ملت و این کشور و برای هر فعالیت سازنده و حیاتی در این مملکت امنیت بوجود بیاورند، برای هر ملتی مثل هوا و آب ضروری است. عده‌ای می‌خواهند اینها را انکار کنند. نیروهای نظامی و انتظامی و بسیج عمومی مردم ما، مؤمن و با اخلاصند و به عنوان پشتوانه‌ای که هیچ‌کس در آن راه ندارد، محسوب می‌شوند. نیروهای نظامی با اخلاص ما - سپاه و ارتش - الحمدلله کم نیستند. اینها سازمانهای مبتنی بر ایمانند، در این بحثی نیست، اما فرق است بین آن نیروهایی که به عنوان وظیفه سازمانی وارد میدان دفاع می‌شوند، با نیروهایی که به دنبال وظیفه ایمان و عشق و به دنبال دستور قاطع عواطف برخاسته از اعماق جان وارد میدان می‌شود، این بسیج است. (رهبر معظم انقلاب اسلامی، ۱۳۸۲). ایشان و در جای دیگر می‌فرمایند:

انکار بسیج و بی‌احترامی به آن، یا نابگردانه است یا خائنانه است. تا وقتی که این کشور و این ملت به امنیت احتیاج دارد - یعنی همیشه، احتیاج به امنیت هست - به نیروی بسیج به انگیزه بسیجی به سازماندهی بسیجی و به عشق و ایمان بسیجی احتیاج هست. (همان).

۱. امنیت و آرامش درونی.

۱-۶-۲. انقلاب و ضد انقلاب

وقوع انقلاب اسلامی در ایران موجب تشدید سردرگمی در رهیافتهای نظری مربوط به انقلاب شد که دلیل آن، به قول آلوین استانفورد کوهن (کوهن، ۱۳۶۹) کم مایگی و سطحی بودن اکثر تجزیه و تحلیلهای نظری در باب انقلاب است. انقلاب لزوماً مستلزم اعمال مستقیم زور و تعارض مسلحانه نیست. هانا آرننت (Arendt, 1962) معتقد است که جالبترین بخش انقلاب در واقع حوادثی است که پس از آن رخ می‌دهند. از جمله این وقایع می‌توان به درگیری و اختلاف نظر بین نوسازان انقلابی و نوسازان مدیریت گرا و دیوانسالار را اشاره کرد. این مسئله از نقاط برخورد جامعه‌شناسی انقلاب و جامعه‌شناسی بسیج است. درگیر ساختن نهادینه مردم در روند تصمیم‌گیری، از دیگر مباحثی است که در جامعه‌شناسی انقلاب مورد بحث واقع شده و برای تبیین جامعه‌شناسی بسیج باید از آن بهره گرفته شود. اگر ما بتوانیم الزامات رشد و توسعه سیاسی و اقتصادی را در رؤس کشور به یقین و باور تبدیل کنیم، سپس آنها را قانونی و اجرایی نماییم، آن وقت می‌توانیم به این هدف برسیم.

نکته جالب دیگری که می‌بایست مورد توجه قرار گیرد حفظ «خلوص انقلابی» و رابطه آن با رشد اقتصادی است. باید یک روند «بهنجار» یافته شود که هم متضمن حفظ حمیت انقلابی و خلوص انقلاب و هم متضمن کند نشدن حرکت رشد صنعتی و اقتصادی باشد. در نهایت، چنانچه انقلاب با «دگرگونی عمیق اجتماعی» مترادف شمرده شود، باید نقش ویژه و منحصر به فرد بسیج و بسیجیان در فرآیند تعمیق این دگرگونی به خصوص در مقاطع اولیه پس از پیروزی انقلاب مورد مطالعه و بررسی قرار گیرد.

۲-۶-۲. بسیج و مقابله آن با تخصیصات بیرونی

تاکنون کمتر جنگی در جهان وجود داشته که علاوه بر صبغه نظامی، صبغه‌های دیگر از قبیل سیاسی و فرهنگی در آن دخیل بوده باشند. این در حالی است که صبغه نظامی جنگ تحمیلی در مرحله‌ای پایین تر از صبغه سیاسی و چه بسا فرهنگی آن قرار داشته است. در چنین شرایطی، گسیل نیروهای مردمی برای دفاع از کیان اسلامی توسط نیرویی که گرچه وظیفه دفاع از کوی و برزن را بر عهده دارد، اما توانمندی‌ها و استعدادهای آن

به حضور فیزیکی و آن هم نظامی در عرصه جغرافیایی کوی و برزن محدود نمی‌شود، خواه ناخواه مقوله بسیج را با جنبه‌هایی از نظامی‌گری در هم می‌آمیزد. دشمنان نظام اسلامی می‌دانند حتی به فرض اینکه با سلاحهای پیشرفته به پیروزی ظاهری دست یابند، ولی در نهایت اگر بخواهند نیروهای خود را در کوچه‌ها و خیابانهای ایران مستقر کنند، در هر محله و کوی و برزن با مقاومت قهرمانانه بسیجیان مواجه خواهند شد. این قدرت بازدارندگی^۱ بسیج و بسیجیان است که تا به حال به دشمنان اسلام و ایران جرئت تجاوز و حمله مستقیم را نداده است.^۲

فرایند جهانی شدن و تلاش برای تغییر هنجارهای بین‌المللی، خط مرزی بین جنگ و صلح را در هم آمیخته است و ماهیت تهدیدها برای جامعه قابل لمس و مشاهده نمی‌باشد. تشخیص وضعیت تهدید، صلح و جنگ، کاری بس مشکل است. فاصله سیاست دفاعی و سیاست خارجی به حدی کاهش یافته که ممکن است در یکدیگر ادغام شوند. در این شرایط، فرماندهان باید بتوانند ادبیاتی جدید برای القای مأموریتها و وظایف خود بیافرینند. امروزه بسیج یک نیروی استراتژیک به تمام معنی است که اهمیت و جایگاه آن را نه تنها ملت ما، بلکه بعضاً دشمنان انقلاب اسلامی نیز به خوبی دریافته‌اند. این ویژگی‌های خاص و عام بسیج، آن را نیرویی اثرگذار و قابل اتکا در عرصه امنیت ملی می‌سازد.

۳. خلاصه و نتیجه‌گیری

همان‌گونه که ملاحظه شد با نگرش سیستمی به مقوله بسیج و بسیجیان بسیاری از ابهامات پیرامون جایگاه بسیج در استراتژی اداره نظام مقدس جمهوری اسلامی به عنوان نقطه امید و آرزوی همه مستضعفان، روشن می‌شود. با چنین نگرشی می‌توان نقش بسیج را به عنوان یک نیروی مردمی، متکی به ایمان، فراگیر و گسترش یافته در تمامی عرصه‌های سیاسی، اجتماعی، علمی و فرهنگی، نظامی، اقتصادی و فنی کشور، بهتر

1. Deterrence.

۲. این بازدارندگی اگر با فن‌آوریهای پیشرفته دیگر حمایت شود، اعتبار بیشتری به آن می‌دهد.

درک کرد. نیرویی که گرچه وظیفه دفاع از کوی و برزن را بر عهده دارد، اما توانمندی‌ها و استعداد‌های آن به حضور فیزیکی و آن هم نظامی در عرصه جغرافیایی کوی و برزن محدود نمی‌شود و ویژگی‌های خاص و عام بسیج آن را نیرویی اثر گذار و قابل اتکا در عرصه امنیت ملی می‌سازد.

پس از برطرف شدن ابهامات، باید به سراغ برنامه‌ریزی رفت. باید نقش و جایگاه بسیج را در برنامه ریزی ملی نظام نیز روشن کرد. این موضوع می‌تواند به نوبه خود بستر یک تحقیق مستقل را شکل دهد. ضرورت و فوریت این تحقیق در آن است که ایران اسلامی حداقل در سیصد سال اخیر هیچگاه چنین فرصت تاریخی حضور داوطلبانه و آگاهانه یک قشر وسیع را در عرصه حیات اجتماعی و سیاسی خود نداشته است. بی‌تردید ملاحظه بسیج به عنوان یک نهاد مدنی خودانگیخته، که در پیشرفت اهداف انقلاب اسلامی نقش تعیین کننده‌ای داشته است، به طور طبیعی نگرش برنامه ریزان ملی را دگرگون خواهد کرد.

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی

۱. امام خمینی، صحیفه نور، مؤسسه تنظیم و آثار امام خمینی (ره) www.imam-khomeini.org
۲. آیت الله خامنه‌ای، سید علی، رهبر معظم انقلاب اسلامی، www.khamenei.ir.
۳. آگک برن و نیم کوف (۱۳۵۴)؛ زمینه جامعه شناسی، تهران، شرکت سهامی کتابهای جیبی.
۴. اصلانی، عبدالرضا (۱۳۸۱)؛ «نگرش سیستمی در تحول جامع بسیج»، مجله علمی پژوهشی بسیج، سال پنجم، شماره ۱۶.
۵. باتومور تی . بی. (۱۳۵۷)؛ جامعه شناسی، تهران، شرکت سهامی کتابهای جیبی.
۶. «در مسیر تحقق ارتش بیست میلیونی (۱۳۷۱)»؛ مرکز مطالعات و پژوهشهای ارتش بیست میلیونی.
۷. ذوالقدر، محمد باقر (۱۳۷۹)؛ اصلاحات امریکایی، اداره فرهنگي ستاد مشترک سپاه.
۸. «سراج بسیجی» (۱۳۸۳)؛ ماهنامه خبری، سال دوم، شماره ۲۰ (آذرماه).
۹. «عوامل مؤثر در بسیج مردمی: از پیام امام خمینی (ره) در مورخه ۱۳۶۰/۹/۴»، [پی تا]؛ مرکز مطالعات و پژوهشهای ارتش بیست میلیونی.
۱۰. کوهن، استانفورد (۱۳۶۹)؛ تئوری‌های انقلاب، تهران، نشر قومس.
۱۱. پیام امام خمینی (ره) در مورخه ۱۳۶۷/۹/۲، صحیفه نور جلد ۲۰-۲۱.
۱۲. سخنرانی دکتر احمدوند (۱۳۸۱) در همایش چالش‌ها و چشم‌اندازهای توسعه ایران، نیروی انتظامی جمهوری اسلامی ایران، تهران، سال.

1. Arendt, Hannah (1962). *On Revolution*. New York, Penguin.
2. Balle, Michael (1994). *Managing With System Thinking*, McGraw Hill. Co.
3. Hatch, M.J. (1993). "The Dynamics of Organizational Culture", *Academy of Management Review*.
4. O'Shannassy, Tim (November 1999). *Strategic Thinking "A Continuum of View and Conceptualization"*, No 99/21.
5. Thomas, Howard & Andrew M. Pettigrew, Whittington, Richard (2002). *Handbook of Strategy and Management*. Sage Publications.
6. <http://www.khamenei.ir/FA/home.jsp>